

های گانه یگانه چند

❖ حسن یاسینی - تهران

نگاهی به مباحث تشبیه مرکب، اسلوب معادله، تمثیل و ارسال مثل در کتاب آرایه های ادبی

چکیده

برخی گمان می کنند تمثیل با اسلوب معادله و تشبیه مرکب در حکم واحد است و تمثیل و ارسال المثل یک آرایه بیش نیستند. نویسنده در این مقاله تفاوت این دو را آشکار می سازد و سعی می کند تعاریفی قابل قبول ارائه دهد تا بیانگر تفاوت آن ها باشد.

کلیدواژه ها، اسلوب معادله، تشبیه مرکب، تمثیل، ارسال مثل، حکایت کوتاه (به هابل)، حکایت کوتاه (به پارابل)، تمثیل رمزین (به المکرمی)، ضرب المثل (به پرویز)، ارسال معانی.

به ابیات زیر توجه کنید:

۱- بر گل سرخ از نم اوفتاده لآگی

هم چو عرق بر عذار شاهد غضبان

۲- من از رویدن خار سر دیوار دانستم

که ناکس کس نمی گردد به این بالانشستن ها

۳- مقدار یار هم نفس چون من نداند هیچ کس

ماهی که بر خشک اوفند، قیمت بداند آب را

ظاهراً در بیت اول چهار تشبیه ساده به

کار رفته است؛ به این ترتیب:

گل سرخ به زیارو، گل برگ گل سرخ

به رخساره ی زیارو، سرخی گل سرخ به

عصبانیت، لآگی (استعاره از شبنم) به قطره ی

عرق تشبیه شده است.

ولی با اندک دقتی معلوم می گردد که در

اصل، یک هیأت مرکب به هیأت مرکبی دیگر

تشبیه شده است؛ یعنی: شبنم روی گل برگ

گل سرخ به قطره ی عرق بر چهره ی زیاروی

عصبانی مانند گردیده است. به این حالت،

تشبیه مرکب می گویند^۱.

در بیت دوم رابطه ی شباهت ضمنی بین

دو مصراع وجود دارد ولی به این معنی نیست

که مصراع اول به مصراع دوم تشبیه شده

باشد؛ یعنی، تشبیه به عنوان یکی از آرایه ها

در این بیت موجود نیست ولی رابطه ی

شباهت بین دو مصراع هست.

ظاهراً در این بیت هم می توان اجزاء دو

مصراع را به هم تشبیه کرد؛ یعنی، بگوییم:

«خار به ناکس، سر دیوار به بالا نشستن و رویدن به نشستن» مانده است و نیز حتی بگویم: «هیأت رویدن خار در سر دیوار به هیأت بالا نشستن ناکس در مجلس» تشبیه شده است؛ یعنی، آن را تشبیه مرکب بدانیم ولی فعل «دانستم» این تعادل ظاهری را برهم می‌زند و با اندک دقتی در ژرف ساخت آن، به این مطلب پی می‌بریم که؛ مصراع دوم در حکم مثالی است برای مصراع اول و این مثال آوردن با تشبیه (به عنوان یک آرایه) متفاوت است، هر چند که رابطه‌ی شباهت بین دو مصراع وجود دارد.^۲

به این حالت، تمثیل گفته‌اند. در زیر به پاره‌ای از تعاریف استادان اشاره می‌شود:

تمثیل: (اصطلاح علم بدیع) از جمله‌ی استعارات است، الا آن که، این استعارتی است به طریق مثال؛ یعنی چون شاعر خواهد که به معنی‌ای اشارتی کند، لفظی چند که دلالت بر معنی‌ای دیگر کند، بیارد و آن را مثال معنی مقصود سازد و از آن معنی خویش بدان مثال عبارت کند و...^۳

تمثیل: در نزد ادب نوعی از استعارت به طریق مثال بود که چون شاعر خواهد که به معنی اشارت کند، لفظی چند که دلالت بر معنی دیگر کند - بیارد و آن را مثال معنی مقصود سازد و...^۴

تمثیل به معنی: ۱- مثال آوردن ۲- تشبیه کردن ۳- صورت چیزی را مصور کردن ۴- داستان یا حدیثی را به عنوان مثال بیان کردن، داستان آوردن.^۵

تا این جا معلوم شد که تشبیه مرکب با تمثیل متفاوت است، زیرا: ۱- در تشبیه مرکب حتماً آدات تشبیه (چه مذکور چه محذوف) به کار می‌رود ولی در تمثیل به آن نیازی نیست ۲- در تشبیه مرکب، طرف دوم «مشبه به» است ولی در تمثیل در حکم مثالی برای طرف دیگر است ۳- در تشبیه مرکب ادعای ماندگی بین طرفین تشبیه وجود دارد ولی در تمثیل، مُثَل (طرف دوم) برای اثبات موضوعی و مطلبی آورده می‌شود. ۴- تمثیل یک نوع استدلال ادبی است ولی تشبیه مرکب

استدلال نیست.

به بیت سوم دقت کنید، باز هم می‌بینیم که ظاهراً اجزاء دو مصراع کاملاً قابل تشبیه شدن به هم هستند؛ یعنی، «من به ماهی، یار هم نفس به در آب بودن، هجران از یار به افتادن ماهی بر خشکی که از آب دور شده است، مانند شده‌اند و مقدار با قیمت هم که تقریباً یک معنای می‌رسانند ولی با توجه به معنا و مفهوم دو مصراع پی می‌بریم که:

۱- دو مصراع کاملاً از نظر نحوی مستقل هستند و هیچ حرف ربط یا شرط یا چیز دیگری آن‌ها را حتی معنأ (نه فقط به لحاظ نحو) به هم مرتبط نکرده است.^۶

۲- مصراع دوم را می‌توان به عنوان مصداقی برای مصراع اول در نظر گرفت و برعکس.

۳- می‌توان جای مصراع‌ها را عوض نمود و یا بین آن‌ها علامت مساوی (=) گذاشت.

۴- پیام نهایی و غرض غایی شاعر در هر دو مصراع یکسان است و معمولاً مفهومی حکمی، فلسفی، اخلاقی و... است. این بیت را دارای آرایه‌ی «اسلوب معادله» می‌دانند.

واضع اصطلاح «اسلوب معادله» دکتر شفیع کدکنی است و در توضیح آن می‌نویسد:

اسلوب معادله را من به عمد ساخته‌ام برای استفاده در سبک‌شناسی؛ بعضی آن را تمثیل خوانده‌اند، برای این که با رسال‌المثل یا هر مصراع حکمت‌آمیزی که بتواند جای مثل را بگیرد، اشتباه نشود، عمداً این اصطلاح را به کار می‌برم. تفصیل این مطلب را در «صور خیال در شعر فارسی» بحث کرده‌ام، هم با دقت بیش تری در «سبک شعر فارسی».

منظور من از اسلوب معادله یک ساختار مخصوص نحوی است. تمام مواردی که به عنوان تمثیل آورده می‌شود، مصداق اسلوب معادله نیست. اسلوب معادله این است که دو مصراع کاملاً از لحاظ نحوی مستقل باشند، هیچ حرف ربط یا شرط یا چیز دیگری

آن‌ها را حتی معنأ (نه فقط به لحاظ نحو) به هم مرتبط نکند. در صورتی که در اغلب مواردی که به عنوان تمثیل ذکر شده است، این استقلال نحوی مورد بحث و توجه قرار نگرفته است.^۷

استادانی دیگر، چون دکتر خانلری^۸ و دکتر انوری^۹ هم تقریباً به اصطلاح «معادل سازی» اشارتی دارند ولی با اصطلاح دکتر شفیع تفاوت‌هایی دارد. دکتر انوری به ارتباط نحوی بین جملات مرکب اشاره دارد.

البته دکتر شفیع، تمثیل را شاخه‌ای از تشبیه دانسته‌اند^{۱۰} و در جای دیگری می‌نویسند:

به عقیده‌ی نگارنده بهترین راه تشخیص تمثیل، از دیگر انواع تصویر، این است که از نظر زبان‌شناختی مورد بررسی قرار گیرد:

بدین گونه تمثیل در معنی دقیق آن - که محور خصایص سبک هندی است - می‌تواند در شکل معادله‌ی دو جمله مورد بررسی قرار گیرد و تقریباً مجموعه‌ی آن چه متأخرین بدان تمثیل اطلاق کرده‌اند، معادله‌ای است که به لحاظ نوعی شباهت میان دو سوی بیت - دو مصراع - وجود دارد، و شاعر در مصراع اول چیزی می‌گوید و در مصراع دوم چیزی دیگر، اما دو سوی این معادله، از ره گذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگرند و شاید برای جلوگیری از اشتباه بتوان آن را اسلوب معادله خواند، تا آن چه را قدما تمثیل یا تشبیه خوانده‌اند، از قلمرو تعریف جدا کنیم؛ و ادامه می‌دهند^{۱۱}:

«این اسلوب معادله در شعر فارسی قرن دهم به بعد محور اصلی سبک است ولی در شعر قدما هم نمونه‌های آن را می‌توان یافت. از جمله در شعر ترک‌کشی ایلاقی.^{۱۲} با این تفاوت که اسلوب معادله در آن جا میان دو بیت برقرار است ولی در سبک هندی همیشه میان دو مصراع است.»

با توجه به عبارت: «تا آن چه را قدما تمثیل یا تشبیه تمثیل خوانده‌اند، از قلمرو تعریف جدا کنیم.» آشکار می‌شود که پندار برخی از افرادی که اسلوب معادله و تمثیل را

یکی می‌دانند، از نظر دکتر شفیع کدکنی نادرست است.

تفاوت اسلوب معادله با تشبیه مرکب این است که؛

۱- در تشبیه مرکب هیأتی به هیأتی دیگر تشبیه می‌شود ولی در اسلوب معادله، طرفی به طرف دیگر تشبیه نمی‌شود، بلکه دو سوی بیت از ره گذر شباهت قابل معنی و تفسیر هستند و این شباهت را خواننده یا شنونده‌ی بیت وقتی می‌خواهد آن را معنی کند، به کار می‌برد و نیز در این امر شاعر فقط معادل‌سازی می‌کند بدون هیچ گونه رابطه‌ای.

۲- طرفین تشبیه مرکب دو تصویر تخیلی است که صورتی یکسان را ارائه می‌کند ولی در اسلوب معادله طرفین از مفاهیم اخلاقی و حکمی و... است و هر کدام مصداقی برای دیگری است.

۳- در تشبیه مرکب، ادات تشبیه (محدوف یا مذکور) به کار می‌رود ولی در اسلوب معادله از ادات تشبیه خبری نیست.

۴- وجه شبه در تشبیه مرکب در هر دو طرف تشبیه یکسان است ولی در اسلوب معادله وجه شبه‌ی وجود ندارد بلکه این معادل‌سازی شاعرانه است که در دو سوی بیت به کار می‌رود.

با توجه به تعاریف تمثیل و اسلوب معادله، تفاوت‌هایی بین آن‌ها وجود دارد:

۱- تمثیل یک نوع استدلال ادبی است و طرف دوم در حکم مثال و طلیلی برای طرف اول است ولی اسلوب معادله این گونه نیست.

۲- دو سوی اسلوب معادله مصداقی هم‌دیگرند ولی در تمثیل طرف دوم برای اثبات مدعای شاعر (طرف اول) است.

۳- در تمثیل رابطه‌ی نحوی بین طرفین بیت هست ولی در اسلوب معادله نه.

در کتاب آرایه‌های ادبی سورم انسانی، تشبیه مرکب این گونه تعریف شده است: «تشبیهی است که وجه شبه در آن از دو یا چند چیز که با هم آمیخته‌اند، گرفته می‌شود. در

تشبیه مرکب، هیأت مرکبی به هیأت مرکبی دیگر مانند می‌شود؛ یعنی طرفین تشبیه دو چیز یا بیش تر است. در تشبیه مرکب، پیوند دو یا چند چیز در مشبه یا مشبه‌به مقصود است، نه این که دو یا چند مشبه، یک طرف و دو یا چند مشبه‌به در طرف دیگر باشند. اگر حالت ترکیب را از هر یک از طرفین تشبیه مرکب بگیریم، صلاحیت خود را برای مقایسه با طرف دیگر از دست می‌دهد. وجه تشبیه در تشبیه مرکب دو گونه است:

۱- نتیجه‌ای که از اجزای مشبه حاصل می‌شود مانند نتیجه‌ای است که از اجزای مشبه‌به حاصل می‌شود.

۲- شکل و رنگی که از اجزای مشبه حاصل می‌شود مانند شکل و رنگی است که از اجزای مشبه‌به حاصل می‌شود.

استاد همایی علاوه بر تشبیه مرکب به تشبیه ملفوف و مفروق هم اشاره می‌کنند ولی آن‌ها را سه نوع مختلف می‌دانند: «این اقسام که یادآور شدیم، همه مقابل و ضد یک دیگر نیستند که جمع آن‌ها با یک دیگر ممکن نباشد، بلکه ممکن است اقسام متداخل باشند، یعنی، بعضی اقسام با اقسام دیگر در یک مورد اجتماع پیدا کنند، مانند: اجتماع تشبیه ملفوف با تشبیه مرکب.»

مثال تشبیه مرکب:
می‌اندر کف ساقی بی حجاب
سهیلی است در پنجه‌ی آفتاب
تشبیه ملفوف:

دلبری دارم به فر و زین چون رعنا تذرو
روی موی و قامت او هم چو ماه و مشک و سرو
تشبیه مفروق:

دلبری دارم به چالاکي چنان رعنا تذرو
روی او ماه است و مو چون مشک و قند مانند سرو^{۱۳}

تا این جا تعاریفی در مورد «تشبیه مرکب، اسلوب معادله و تمثیل» آوردیم و تفاوت‌های میان آن‌ها را بر شمرديم. حال به ارسال المثل و فرق آن با تمثیل می‌پردازیم. بعضی استادان، تمثیل و ارسال المثل را یکی می‌دانند. «آن است که عبارت نظم یا نثر را به جمله‌ای که مثل یا شبیه مثل و متضمن

مطلب حکیمانه است، بیاریند. این صنعت همه جا موجب آرایش و تقویت بنیه‌ی سخن می‌شود؛ و گاه باشد که آوردن یک مثل اثر نظم یا نثر و خطابه و سخن‌رانی، اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند جمله‌ی مقاله و رساله باشد.»

احتمق بود که عرض کند فضل پیش تو
خرما به بصره بردن، باشد ز احمقی
غم عشق آمد و غم‌های دگر پاک ببرد
سوزنی باید کز پای برآرد خاری
من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش
هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت^{۱۴}

دکتر شفیع تمثیل و ارسال المثل را یکی نمی‌داند. «نگارنده باورمند است که هرگاه مصراع بیتی در حکم ضرب المثل باشد و با مصراع دیگر نوعی مناسبت نحوی و شباهت داشته باشد و یا در حکم نتیجه‌ای برای مصراع دیگر نباشد، به آن ارسال المثل می‌گوییم؛ مثال:

هیچ آدایی و ترتیبی مجوی
هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو

«مولوی»
دایم گل این بستان شاداب نمی‌ماند
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

«حافظ»
دانی که چه گفت زال با رستم گرد
دشمن نتوان حقیر و بی‌مایه شمرد

«اسعدی»
خوب وردی بر زبان آورده‌ای
لیک سوراخ دعا گم کرده‌ای

«مولوی»
قابل ذکر است سه بیتی که علامه همایی ذیل تمثیل و ارسال المثل آوردند، از نظر ما شواهد تمثیل نیستند و فقط ارسال المثل می‌باشند.

نکته ۱- گاه ضرب المثل به کار رفته در حکم مثالی برای آیات قبلی می‌باشد؛ مثل بیت زیر از ناصر خسرو:

زی تیر نگه کرد و پر خویش بر آن دید
گفتا «ز که نالم که از ماست که بر ماست»
ضرب المثل «از ماست که بر ماست» به
مفاهیم آیات قبلی برمی گردد.

نکته ی ۲- گاهی مصرعی از شاعری به
سبب کاربرد زیادش به مرور آیام، حکم
ضرب المثل را پیدا می کند و الزاماً به کار بردن
عبارات و مثال هایی که شاعران در زمان
سرودن در اشعارشان به کار می برند،
می تواند ضرب المثل نباشد و بعداً به عنوان
مثال معروف شود و نیز شاعران می توانند از
امثله ی معروف در زمان حیاتشان استفاده
کنند. در هر دو صورت از نظر خواننده ی
شعر باید آن مطلب در حکم مثلی مشهور
باشد تا به آن «ارسال المثل» گفته شود.

تمثیل به عنوان یکی از آرایه های ادبی در
سطور بالا گفته شد و فرق آن با ارسال المثل
در این است که:

۱- طرف دوم در ارسال المثل حتماً یکی
از امثال سایره است ولی در تمثیل، امثال
سایره به کار نمی رود.

۲- تمثیل یک نوع استدلال ادبی است
ولی ارسال المثل در حکم استدلال نیست و
به مرور آیام آن مصراع را مردم به عنوان
ضرب المثلی به کار می برند.

۳- رابطه ی شباهت بین دو مصراع الزاماً
در ارسال المثل می تواند موجود نباشد؛ مثل
بیت:

دانی که چه گفت زال با رستم گرد

دشمن نتوان حقیر و بی مایه شمرد

۴- طرف دوم (ممثل) در تمثیل در حکم
نتیجه ای برای مصراع اول (= منظور شاعر)
نیست، در حالی که ضرب المثل در بعضی
از ارسال المثل ها در حکم نتیجه ی مصراع
دیگر است.

تمثیل به دو اعتبار قابل بررسی است؛
یکی به عنوان آرایه ای ادبی و دیگر به عنوان
یکی از شیوه های بیان توصیفی که در ادب
غرب آن را سه گونه می دانند:

۱- فابل (Fable): هر داستان خیالی با
بیان توصیفی، حکایتی کوتاه (در نظم و نثر)

به قصد انتقال مفاهیم اخلاقی که به امور
دنیوی مربوط است. شخصیت ها، حیوانات
و اشیاء و گاهی انسان ها هستند و امکان وقوع
آن به طور طبیعی میسر نیست.^{۱۷}

۲- پارابل (parable): حکایتی کوتاه با
نکات اخلاقی، شخصیت ها غالباً انسان ها
هستند و مفاهیم در این نوع، از فابل متعالی تر
است.^{۱۸}

نکته: این دو نوع را تمثیل می گویم تا با
ضرب المثل در اصطلاح غربیان (Proverb)
اشتباه نشود.^{۱۹}

۳- تمثیل رمزی (allegory): ارائه دادن
یک موضوع تحت صورت ظاهر موضوع
دیگر. این اصطلاح به عنوان یکا طرز و
شیوه ی ادبی، عبارت از «بیان یک عقیده یا
یک موضوع نه از طریق بیان مستقیم، بلکه
در لباس و هیأت یک حکایت ساختگی که با
موضوع و فکر اصلی از طریق قیاس، قابل
مقایسه و تطبیق باشد. در این نوع تمثیل،
درس اخلاقی مستقیم بیان نمی شود و برای
درک آن باید آن را تفسیر کنیم.

توضیح این که چیزی می گویم و مقصود
چیز دیگری است (= استعاره ی گسترده).
در تمثیل و استعاره ی گسترده، شباهت
ضمنی تلویحاً وجود دارد ولی در تمثیل این
شباهت ضمنی ادامه و گسترش می یابد و نیز
وجه شبه در تمثیل رمزی از چند امر منتزع
می شود.^{۲۰}

در خاتمه مثال هایی می آوریم؛ باشد که
خوانندگان عزیز، این عرایض را با شواهد
بررسی کنند و به خواست خداوند متأن
سودمند حاصل شود.

مثال هایی برای تمثیل:

۱- صائب نبسته است کسی پای سیرمن

زندان شده است بندگران وفا مرا

اسلوب معادله نیست؛ چون مصراع ها
در حکم مصداقی برای هم نیستند و نیز معلوم
است که تشبیه مرکب هم نیست.

۲- دیدن ما تلخ کامان تلخ سازد کام را

داد گویا دایه از پستان حنظل شیر ما

چون دایه از پستان تلخ به ما شیر داده

است؛ پس دیدن ما، تلخ کامان، کامتان را
تلخ می کند. مشخص است که نه تشبیه
مرکب است نه اسلوب معادله.

۳- منزل نقل مکان ماست اوج لامکان

وادی امکان ندارد عرصه ی شیگیر ما

محل حرکت ما اوج لامکان (عالم معنا)
است، به همین خاطر عالم امکان، جایگاه
حرکت ما نیست.

دو مصراع نه مصداق هم هستند و نه شبیه
هم، بلکه مصراع دوم در حکم مثال و دلیلی
برای مصراع اول است.

۴- گوشه گیری کشتی نوح است در بحر وجود

از گشایش و ارهان جسم نزار خویش را

یعنی، گوشه نشینی علت رستگاری
است.

مصراع دوم در حکم علتی برای مصراع
اول است، مصداق هم و مانند هم نیستند تا
اسلوب معادله یا تشبیه مرکب باشد.

۵- تا در آیام خزان از زرد روی واره ی

در بهار از خود بفشان برگ و بار خویش را

مصراع دوم دلیلی بر اثبات مصراع اول
است. نه اسلوب معادله است نه تشبیه مرکب
و نیز حرف ربط وابسته ساز «تا» در آن به کار
رفته است.

۶- به همواری ادب کن خصم سرکش را، که خاکستر

به نرمی زیر دست خویش می گرداند آتش را

به سبب حرف ربط «که» اسلوب معادله
نیست؛ و نیز می توانیم به جای «زیرا که» از
«هم چنان که» استفاده کنیم؛ پس ظاهراً تشبیه
مرکب است. این بیت را ما به دو اعتبار لحاظ

کرده ایم؛ یعنی حرف ربط «که» را دو گونه
معنا نموده ایم، به این دلیل است که هم تمثیل
(با زیرا که)، و هم تشبیه مرکب است (با
هم چنان که). با دقت در این امر و این که

می توانیم حرف ربط وابسته ساز «که» را دو
گونه معنی کنیم، باز هم معنی «زیرا که»
ارجح است، زیرا «که» به معنی «مثل و مانند

و چون...» به کار نمی رود، بلکه در
کلمات: «چنان که، هم چنان که و...» چنان
و هم چنان... ادات تشبیه هستند و «که»
ارتباط دهنده است. در نتیجه تشبیه مرکب هم

نیست.

۷- مرا از صافی مشرب ز خود دانند هر قومی
که هر ظرفی به رنگ خود بر آرد آب روشن را
با حرف ربط «هم چنان که» به ظاهر
بامعنی است ولی توضیح شماره ی ۶ در این
بیت هم صادق است؛ پس تشبیه مرکب
نیست. چون مصراع ها مصداق هم نیستند؛
پس اسلوب معادله هم نیست. محصول
کلام این که مصراع دوم دلیلی برای اثبات
مصراع اول است.

۸- نهادهی چون قدم در راه از دل بستگی بگذرد
که می گردد گره در رشته، سنگ راه سوزن را
این بیت هم مثل شواهد بالا تمثیل است و
مصراع دوم در حکم اثبات مصراع اول است.

چند مثال برای ارسال المثل:

- ۱- چنین است رسم سرای درشت
گهی پشت بر زمین، گهی زین به پشت
- ۲- پای مالنگ است و منزل بس دراز
دست ما کوتاه و خرما بر نخیل
- ۳- زین سرزنش که کرد ترا دوست، حافظا
بیش از گلیم خویش مگر پا کشیده‌ای
- ۴- ترسم نرسی به کعبه، ای اعرابی
کاین ره که تو می روی به ترکستان است
می بینیم که مصراع های دوم هر چهار
بیت در حکم امثال سائره است. در بیت اول،
بین دو مصراع رابطه ی نحوی وجود دارد؛
یعنی مصراع دوم توضیحی در مورد واژه ی
«چنین» است و نیز می توان آن را در حکم
جمله ی پیرو برای مصراع اول دانست. در
بیت دوم رابطه ی شباهت و نحوی وجود
دارد. در بیت سوم، مصراع دوم در حکم بیان
علتی برای مصراع اول است. در بیت چهارم
هم رابطه ی علّیت و نحوی به کار رفته است.
مهم ترین فرق تمثیل با ارسال المثل،
همان به کار رفتن یکی از امثال سائره در
ارسال المثل است.

مثال هایی برای تشبیه مرکب:

- ۱- آن قطره ی باران که بر افتد به گل سرخ
چون اشک عروسی است بر افتاده به رخسار

- ۲- سرو سما طی کشید بر دو لب جویبار
چون دو رده چتر سبز در دو صف کارزار
- ۳- مرغ نهاد آشیان بر سر شاخ چنار
چون سپهر خیزران بر سر مرد سوار
- ۴- گشت نگارین نذرو پنهان در مرغزار
هم چو عروسی غریق در بن دریای چین
- ۵- سراز البرز برزد قرص خورشید
چو خون آلوده دزدی سر ز مکمن

مثال هایی برای اسلوب معادله

- ۱- آدمی پیر چو شد حرص جوان می گردد
خواب در وقت سحر گاه گران می گردد
- ۲- ریشه ی نخل کهن سال از جوان افزون تر است
بیش تر دل بستگی باشد به دنیا پیر را
- ۳- وداع غنچه را گل نام کردند
طرب را ماتم غم آفرینند
- ۴- سعدی از سرزنش غیر نترسد، هیهات
غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را
- ۵- نفسی آشفته می دارد، چو گل، جمعیت ما را
پریشان می نویسد کلک موج، احوال دریا را
- ۶- با کمال اتحاد از وصل مهجوریم ما
هم چو ساغر می به لب داریم و مخموریم ما
- ۷- در تجلی سوختیم و چشم بینش وانفشد
سخت پابر جاست جهل ما، مگر طوریم ما
- ۸- با وجود ناتوانی سر به گردون سوده ایم
چون مه نو سر خط عجزیم و مغروریم ما
- ۹- محرم فنا بیدل، زیر بار کسوت نیست
شعله، جامه ای دارد، از برهنه دوشی ها
- ۱۰- غنچه ی واشده مشکل که دلی نگشاید
بستگی چون روده از قفل کلید است این جا
- ۱۱- وحدت، از خودداری ما، تهمت آلود
دویی ست

- ۱۲- ناقصان را بیدل، آسان نیست تعلیم کمال
تا دمد یک دانه چندین آبرو ریزد سحاب
- ۱۳- دیده در ادراک آغوش خیالت عاجز است
ذره کی یابد کنار بحر ژرف آفتاب
- ۱۴- ما عدم سرمایه گان را، لاف هستی نادر است
ذره حیران است در وضع شگرف آفتاب
- ۱۵- بقای اوست تلافی گر فئای همه
فتاده است به دوش محیط وام حجاب

- ۱۶- آفت هوش اسپران برق دیدار است و پس
می زند رنگ گل، آتش در بنای هندلیب
واژگان: «هم چو- چون- تا» در
مصراع های دوم ابیات ۶- ۸- ۱۲ به
مصراع های دوم مربوط است و
ارتباط دهنده ی دو مصراع ابیات مذکور
نیست.

گزیده ی فهرست مآخذ و منابع.....

۱. ر. ک. کتاب آرایه های سوم انسانی، ذیل تشبیه
مرکب
۲. تشبیه با شباهت فرق دارد، در تشبیه کردن چیزی به
چیزی، تحیل شاعرانه عمداً دخالت دارد و نیز
متعدی (گذرا به مفعول) است ولی شباهت لازم
است، یعنی مانند بودن دو چیز و رابطه ی دو سوی
تمثیل از نوع مانند بودن است، نه مانند کردن.
۳. ر. ک. دهخدا، لغت نامه، ذیل تمثیل.
۴. ر. ک. فرهنگ معارف اسلامی، سجادی،
سیدجعفر، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ج ۲،
ص ۱۲۷.
۵. ر. ک. معین، فرهنگ فارسی، ذیل تمثیل.
۶. ر. ک. شاعر آینه ها، دکتر شفیع کدکنی، آگاه،
ج ۴، ص ۶۲.
۷. همان مانند پیشین.
۸. ر. ک. صائب، سبک هندی، مجموعه ی
مقالات، محمدرسول دریا گشت (مقاله ی دکتر
خانلری).
۹. ر. ک. تمثیل در شعر صائب (مقاله)، دکتر
انوری.
۱۰. ر. ک. صور خیال در شعر فارسی، دکتر شفیع
کدکنی، آگاه، ص ۷۷.
۱۱. ر. ک. مآخذ پیشین، ص ۸۴.
۱۲. همان، ص ۸۵.
۱۳. از ترکیب ایلافی:
امروز اگر مراد تو بر ناید
فردا رسی به دولت آبا بر
چندین هزار امید بنی آدم
طوقی شده به گردن فردا بر
۱۴. ر. ک. فنون بلاغت و صناعات ادبی، استاد
جلال همایی، دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران،
صص ۲۳۴ و ۲۳۸.
۱۵. همان،
۱۶. ر. ک. صور خیال در شعر فارسی، پیشین، ص
۸۵.
۱۷. ر. ک. رمز و داستان های رمزی، پوزنماداریان،
ص ۱۱۵.
۱۸. ر. ک. همان، ص ۱۱۵.
۱۹. ر. ک. همان، ص ۱۱۵.
۲۰. ر. ک. همان، ص ۱۱۶.